

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۶۴۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳ آبان ۱۳۹۱، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۲

سر دبیر عبدال گلپریان

## علیه تحریم اقتصادی، علیه جمهوری اسلامی



اتمی اش بارها اعلام انزجار کرده اند.

اهدافی که دولت‌های سرمایه از اعمال و تشدید هر روزه تحریمهای اقتصادی دنبال میکنند کشاندن حکومت اسلامی به پای میز مذاکره و گردن گذاشتن این صفحه ۲

تحریمهای اقتصادی باین المللی علیه جمهوری اسلامی هر روز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد. دول غربی ادعا میکنند که "مردم ایران هدف تحریمهای جدید نیستند". اما این نوع ادعاها از نتایج و تاثیرات ضد انسانی و نابود کننده تحریمهای اقتصادی علیه مردم چیزی کم نمیکند. وقتی که با تحریم کالاهای اساسی و گرانی سرسام آور ناشی از آن میلیونها نفر از کارگران و مردم محروم قدرت خرید نان شب خود را هم از دست میدهند و اساسی ترین نیازها حتی دارو و مواد حیاتی

## اسبها در سر بالایی همدیگر را گاز میگیرند پاسخ علنی احمدی نژاد به نامه خیلی محرمانه لاریجانی (رئیس قوه قضاییه)

بارها توصیه کرده بود که مناقشات خود را به رسانه ها نکشانند. اما احمدی نژاد میدانند که رهبر و حامیانش چه آثی برای او میپزند و نمیخواهد بلائی که سر خاتمی آوردند در مورد او هم تکرار شود.



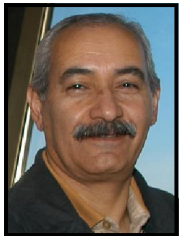
محمد آسنگران

بحران همه جانبه کلیت حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را فرا گرفته است. جنگ جناح های جمهوری اسلامی از بدو سرکار آمدن این رژیم همراه این دستگاه مخوف آدمخوار بوده است. در هیچ دوره ای از حیات این رژیم توافق و اتحاد جناح های آن پایدار نبوده است. خود این سیستم حکومتی و قوانین اسلامی آن که بر اساس شریعت اسلامی بنا شده، ضدیت این قوانین و این سیستم حکومتی با کلیت حقوق انسانی و با کوچکترین نرم و استاندارد انسانی و مدرن، و جایگاه شریعت اسلامی و ولی فقیه در قوانین جمهوری اسلامی منشا و علت این بحرانها بوده است.

بحران همه جانبه کنونی اگر چه ادامه بحرانهای قبلی است اما عمیقتر، همه جانبه تر و کشنده تر سر تا پای این دستگاه آدمکشی را فرا گرفته است. بحران سیاسی رژیم اسلامی که عمدتا به شکل بحران و رقابت دو جناح خود نمایی میکرده است، اکنون به سه جناح رسمی تبدیل شده است. دو جناح اصولگرا به رهبری خامنه ای و احمدی نژاد که جدال اصلی را پیش میبرند بعلاوه جناح اصلاح طلب رژیم که در حاشیه

احمدی نژاد اواخر مهر ماه ۱۳۹۱ قصد خود برای بازدید از زندان اوین را در رسانه ها مطرح کرد. مقامات قوه قضاییه اسلامی به او گفتند برای این کار رئیس جمهور باید اول مراحل قانونی را طی کند و طی نامه ای رسما درخواست خود را به این قوه بدهد. احمدی نژاد طی نامه ای علنی درخواست خود را مطرح کرد. در جواب نامه علنی او رئیس قوه قضاییه طی یک نامه محرمانه این درخواست را رد کرد و او را متهم کرد که میخواهد از مجرمان حمایت کند. سخنگوی این قوه هم در رسانه ها گفت این بازدید به مصلحت نیست. احمدی نژاد طی یک نامه علنی به نامه خیلی محرمانه لاریجانی جواب داد و خطاب به این قوه نوشت: "در حالی که جنابعالی به آسانی به رئیس جمهوری که نماینده ملت و مجری قانون اساسی است اتهام می زنید آیا می توان برای آحاد مردم که پشتیبان خاصی جز خداوند ندارند امنیت قضایی متصور بود." رئیس دو قوه اسلامی در حالی همدیگر را گاز میگیرند که رهبرشان

## سخنی با فعالین در محلات



عبدال گلپریان

صفحه ۳

شرایط بشدت مشقت باری از سوی حکومت اسلامی به مردم تحمیل شده است که غیر قابل توصیف است. فقر و فقر هر چه بیشتر هر روز و هر ثانیه دامنگیر بخشهای مختلف مردم می شود. اوضاع فلاکتبار کنونی غیر قابل بازگشت به روز قبل از آن است.

صفحه ۴

مردم ایران راه نشان میدهند!

صفحه ۵

ناسیونالیسم و مساله ملی / منصور حکمت

صفحه ۶

زندگی نامه من (بخش سی و هفتم) / سهیلا شریفی

صفحه ۷

اخبار کارگری از شهرهای کردستان

صفحه ۸

اعدام سیزده نفر در ۴۸ ساعت گذشته در ایران

صفحه ۸

اگر مردم قبض ها را ندهند دولت ساقط میشود

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ اسبها در سربالایی ...

جدال دو جناح اولی مشغول غر و لند است و میخواید در نتیجه این دعوا استخوانی عایدش بشود.

دو جناح اصولگرا بیش از پیش در مقابل هم صف آرای کرده اند. جناح خط امامی قبلی که از اواسط دهه هفتاد شمسی به اسم "اصلاح طلبان" خوانده میشوند، در حاشیه سیاست حکومت اسلامی چشم امید به جدال دو جناح اصولگرا دوخته اند. احمدی نژاد که مدافع سر سخت جنایات کهریزک به دستور مرتضوی است و او ارتقا مقام هم داده است، اکنون در جدال جناحی خود در مقابل رقبای سیاسی اش مدافع اجرای قانون شده است.!

در دور دوم ریاست احمدی نژاد که با موجی از اعتراض و مبارزات میلیونی مردم همراه بود، خامنه ای و باند های اطرافش او را از صندوق بیرون آوردند و اینک ناچاراً اعلام کرده اند با او کنار می آیند تا دوره ریاست جمهوری اش بدون تنش تمام شود. اما گویی تنش در ذات این حکومت ضد انسانی تنیده شده و روزی نیست که از جایی این اختلافات به بیرون درز نکند. تازه ترین نمونه، افشاکاری رییس قوه مجریه علیه قوه قضاییه و زدن به سیم آخر احمدی نژاد است. اگر در هر کشور معمولی این ابعاد از درگیری لفظی و جنگ و جدل و "افشاکاری" اتفاق می افتاد و یا یک صدم این دزدیهای میلیاردی که هر دو جناح متهم به آن هستند و افشا شده است وجود داشت، یک حکومت سقوط میکرد. اما اینها حکومت اسلامی هستند و وقاحت و پررویی را از پیشینیان خود به ارث برده اند.

یکی از جدالها همانطور که گفتم در مورد مرتضوی بود. هنگامیکه وزارت اطلاعات و قوه قضائیه خواستند با قربانی کردن مرتضوی دامن خود و خامنه ای را از جنایت کهریزک تطهیر کنند، احمدی نژاد مانع شد. جناح خامنه ای هم تا کنون نتوانسته است کاری از پیش ببرد. قاتلان اسلامی پرونده جنایت همدیگر را خوب میشناسند. نقطه ضعف جناح خامنه ای این بود که نمیتوانست با یک جراحی سطحی غیر مستقیم بوسیله وزارت اطلاعات و قوه قضائیه که خود مجری آن جنایات در کهریزک بوده

اند دامن خود را تطهیر کند و تنها جناح احمدی نژاد را مقصر معرفی کند.

جناح رقیب احمدی نژاد که بعد از خامنه ای اکنون در سطح علنی و رسانه ای بوسیله برادران لاریجانی در قوه قضائیه و قوه مقننه نمایندگی میشود، تلاش میکند که این بچه لمپن اسلامی یعنی احمدی نژاد را مطیع خود کنند. دعوای لمپن های اسلامی و نشان دادن خال کویبها به همدیگر هنگامیکه سازش آنها غیر ممکن میشود، البته تماشایی است.

اما گرداننده و مدیر و هدایت کننده همه این جدالها نیرویی است که کمتر مورد بحث قرار میگردد. سپاه پاسداران به عنوان بازوی اصلی حفظ نظام اسلامی تنها جریان و نیروی تعیین کننده ای است که تمام سیاستهای جمهوری اسلامی را مدیریت میکند و پیش میبرد. نقش وزارت اطلاعات و قوه مجریه و قضائیه و مقننه تنها تا آنجا مجاز و عملی است که در میدان سیاست تعیین شده بوسیله سپاه پاسداران مجاز شده میشود. هر آن نیرو و جناحی که بخواهد پا را از دایره تعیین شده سپاه پاسداران خارج بگذارد با قدرت نظامی و کمک گرفتن از قوانین اسلامی و فتوای "رهبر" و غیره مواجه شده و مانع آن میشوند.

اما بحران رژیم اسلامی این بار عمیقتر و همه جانبه تر از آن است که مثل موارد قبل سپاه بتواند این کشتی طوفان زده را با خون ریختن و جنایت که در آن خیره عالم هستند، به ساحل هدایت کند.

ایران آبستن تحولات مهمی است و یک موضوع مهم در ایران، نارضایتی و مشکلات عمیق اقتصادی و سیاسی است که گریبانگیر مردم است. اکنون انزجار از حکومت به منتهی درجه رسیده و یک جنبش قوی اجتماعی و کارگری در حال رشد و نمو است. قدرتی که در مقابل این دم و دستگاه حکومتی خود را نشان داده و میتواند ستون فقرات حرکات اجتماعی بزرگی علیه حکومت و در بهم زدن این دستگاه باشد، در حال سنگر بندی است. در عین حال مردم ایران بعد از اعتراضات میلیونی سال ۱۳۸۸

تجاری کسب کرده اند که میتواند با یک شورش اجتماعی بزرگ این بار بدون توهم به افراد و یا جریاناتی از داخل رژیم، کلیت حکومت اسلامی را نشانه رفته و در همان اولین روزهای آغازش کلیت این دستگاه چپاول و آدم کشی را مورد تعرض قرار دهد.

احمدی نژاد میگوید دزدیهای کلان جناح دیگر را افشا میکنند و آنها از دزدیهای غیر قابل تصور دور و بریهای احمدی نژاد میگویند. افشاکاری هر دو جناح از همدیگر تنها گوشه هایی از واقعیت است که کار به دستان این رژیم اسلامی بیش از سه دهه است که مشغول آن هستند.

چیزی که در عین حال هر دو جناح از آن وحشت دارند، مردمی هستند که مترصد فرصت اند تا این جانیان و دزدان را سرنگون کرده و مجازاتشان کنند. سپاه پاسداران که با برگ برنده "پیش بسوی ساختن سلاح اتمی" و "الدرم و بلدرم علیه اسرانیل میخواید سیاسی و ایدئولوژیک نیرو جمع کرده و در عین حال با دستیابی به سلاح اتمی مردم ایران را برای سازش با حکومت و همچنین غرب را برای مماشات دائمی با حکومت تحت فشار بگذارد، میداند تنها نیرویی که امکان و قدرت بهم زدن این سناریو را دارد مردم ایران هستند و بهمین دلیل به اعدامهای گسترده و چنگ و دندان نشان دادن بیشتر مشغول است.

جدال جناحهای رژیم اسلامی هر چه حاد تر و سازش ناپذیرتر میشود امکان تعرض به این دستگاه جهانی برای مردم بیشتر فراهم میگردد. جمهوری اسلامی نه تنها نمیتواند راهی برای برون رفت از بحرانهای اقتصادی بیابد، راه حلی برای مهار بحرانهای سیاسی و جنگ جناحهای خود هم ندارد.

زیرا این بار نه مقام کاریز ماتیک می مثل خمینی وجود دارد که با یک فتوای او، بنی صدر را خلع کنند و نه پول میلیاردی نفت مثل چند سال قبل به خزانه دولت سازیر میشود که اتحاد سرداران سپاه را موجب شود، نه مردم توهمی به این حکومت و آیات و اوراد مذهبی اینها دارند، و.. اینها و دلایل متعدد دیگر سربالایی

## از صفحه ۱ علیه تحریم اقتصادی ...

حکومت به سیاستهای غرب است. به بیان دیگر حکومتهای غربی دارند با سیاست جنایتکارانه تحریمهای گسترده اقتصادی زندگی مردم ایران را تباه میکنند تا حکومت اسلامی را با خود همراه کنند. و برای همه کس روشن است که نه سیاستهای غرب و نه سیاستهای جمهوری اسلامی هیچ ربطی به مصالح مردم ایران و مردم سایر کشورها ندارد. تحریمهای اقتصادی را باید قاطعانه محکوم کرد و این به معنای مقابله با سیاست دولتهای غربی و جمهوری اسلامی هر دو است. مردم ایران خواهان آن هستند که تحریمهای اقتصادی فوراً متوقف بشود. اگر دولتها بخواهند اقدام مثبتی برای تضعیف جمهوری اسلامی انجام دهند بهتر است دست از مماشات با این حکومت بردارند. به این حکومت سرویس و تکنولوژی جاسوسی و سرکوب ندهند و مهمترینک سفارتخانه های این حکومت که لانه های ترور و توطئه علیه مردم هستند را تعطیل کنند. این آن چیزی است که مردم ایران خواهان آن هستند و از همه مردم جهان میخواهند که اینها را به دول غربی تحمیل کنند.

کارگران! مردم شریف ایران! اگر ما مردم فعالانه و متحدانه برای دفاع از زندگی خود پا به میدان نگذاریم، سیر این اوضاع و سیاستهای حکومت اسلامی هر روز ما را بیشتر به فقر و فلاکت و تباهی خواهد کشاند و حتی احتمال شعله ور شدن جنگ و تقابل نظامی نیز منتفی نیست. باید از رفاه و زندگی و ایمنی خود دفاع کنیم. ما نه انرژی هسته ای میخواهیم و نه مسئول درهم ریختگی اقتصادی هستیم. جمهوری اسلامی مسئول همه فجایعی است که بر سر دهها میلیون نفر کارگر و مردم فقیر و محروم آمده است. باید علیه این اوضاع پیاخت و به گرانی سرسام آور اعتراض کرد! به حقوقها و دستمزدهای نازل اعتراض کنیم! قبض های آب و برق و گاز و طلبهای دولتی را نپردازیم! به حکومتیان بگوئیم و اعلام کنیم که یک ذره حاضر نیستیم آخرین رمق زندگی مان را فدای ماجراجویی های رژیم کنیم! با جنبش گسترده حق طلبی، میتوانیم فضا را بر حکومت آیت الله های میلیاردی و سرمایه داران مفتخور تنگ کنیم و با قیام و انقلابمان کار آنها را تمام کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب انسانی برای  
جامعه ای انسانی  
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ مهر ۱۳۹۱  
۲۰ اکتبر ۲۰۱۲

## از صفحه ۲ اسبها در سر بالایی ...

عجیبی برای همه این اسبها ایجاد کرده است. واقعیت اینست که سرداران سپاه به آن امید که خزانه را به میل خود مدیریت میکنند و شاهرگهای اقتصاد کشور را در دست خود میگیرند ابتدا موقتا متحد و پشتیبان احمدی نژاد ظاهر شدند. اما بحران اقتصادی مزمین بعلاوه محاصره اقتصادی کشنده ای که اکنون به اجرا گذاشته شده است هر سردار سپاهی را به چاره اندیشی واداشته است که چگونه به فکر حفظ کیان سرمایه خود و ثروت و قدرت و مکنت خود باشد. اینجا است که اکثر فرماندهان سپاه متوجه شده اند که باید فعلا از نقش خامنه ای آخرین استفاده های خود را ببرند و رقبایی مثل احمدی نژاد را کنترل شده کنار بگذارند.

اما بخشی از سران سپاه و مقامات امنیتی که وجود احمدی نژاد آنها را به سرمایه های میلیاردی رسانده است هنوز دست به عصا راه میروند و تلاش میکنند، ضمن اینکه چهره سپاه را متحد نشان دهند، فعلا در مقابل احمدی نژاد ست به عصا راه بروند.

حاکمان اسلامی در ایران میدانند در جامعه چه نفرت و انزجاری از کل دستگاه مخوف اسلامی وجود دارد. در عین حال میدانند که اقتصاد بیمار این کشور با محاصره کشنده اقتصادی کنونی به لبه پرتگاه متلاشی شدن رسیده است. میدانند اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها که قرار بود نفسی به اقتصاد بیمار بدمد، تماما بی خاصیت شده است و دیگر آن جایگاه را برای آنها ندارد. زیرا حذف سوبسیدها قرار بود به انباشت سرمایه بینجامد. اکنون پول حذف سوبسیدها هر چقدر زیاد باشد باز در مقابل تاثیرات محاصره اقتصادی کنونی رقمی ناچیز محسوب میشود. زیرا از صد میلیارد فروش نفت در سال اکنون این رقم به سی میلیارد رسیده است. یعنی تقریبا دو سوم درآمد ارزی دولت کم شده است. این بعلاوه مشکلات دیگری است که همین مبلغ ۳۰ میلیارد هم با هزار مانع و مشکل مواجه است که ارز آن به داخل کشور برسد. وقتیکه احمدی نژاد گفت

محاصره اقتصادی تاثیرات بدی داشته است و ارز به این دلیل گران شده است، خبرنگاران از بی تاثیری آن از زبان لاریجانی گفتند جواب او البته نشان میداد که ابعاد این تاثیرات و جنگ جناح ها به کجا کشیده شده است: "اگر محاصره اقتصادی تاثیر نداشته حتما سیاستهای آقای لاریجانی باید تاثیر گذاشته باشد." این گفته همان رئیس جمهور اسلامی است که میخواست دنیا را مدیریت کند. این گفته همان بچه پروری است که میگفت با محاصره اقتصادی ایران غرب ضرر میکند نه جمهوری اسلامی. کسی که نمیتواند شلوار خود را بالا بکشد معلوم نیست چگونه ادعای مدیریت دنیا را میکند.

اکنون بر همگان باید روشن باشد سازش این دو جناح ممکن نیست. اختلاف منافع واقعی و مادی دارند. احمدی نژاد از نتیجه جدال جناح های قبلی در مقابل خامنه ای یاد گرفته است که باید طیفی از سران سپاه و دستگاه اجرایی و سازمان اطلاعات و ... را نه با ایدئولوژی اسلامی که میداند کسی برای آن تره خورد نمیکند، بلکه با امکان دسترسی به درآمدهای میلیاردی و نشان دادن جسارت خود در مقابل ولی فقیه و دستگاههای زیر نظر او مانند قوه قضائیه و آن بخش از سپاه که سر ناسازگاری با سیاستهای دولت دارند و یا نمونه مخالفت جدی با وزیر اطلاعات حول سیاست خود متحد نگهدارد.

آنچه "جسارت" احمدی نژاد گفته میشود تنها ناشی از عدم تعادل او نیست. بلکه يك منافع مادی قوی و غیر قابل چشم پوشی مطرح است که باید رقبای خودش را با اتکا به این منابع از میدان به در کند. حرفهای تند احمدی نژاد در مقابل رفسنجانی و اقدامات بعدی او شرایطی را فراهم کرد که طیف قابل توجهی از سران سپاه پاسداران بخش مهمی از اقتصاد آن مملکت را در دست خود قبضه کنند. اکنون صاحبان و ملبران و مالکان کارخانه های بزرگ کشور عمدتا در دست فرماندهان سپاه پاسداران متمرکز شده است. در هر کشور سرمایه داری دنیا ارتش و نیروی مسلح حافظ منافع سرمایه داران آن کشور است. در

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همین نیروی مسلح عمدتا حافظ منافع خود است. با در نظر گرفتن این فاکتور تعیین کننده در جدال جناح احمدی نژاد و برادران لاریجانی به نیابت از خامنه ای میتوان تصور کرد که فعلا اکثریت بالایی از سران و فرماندهان سپاه پاسداران منافع میلیاردری خود را در دفاع از خامنه ای میبینند. اما جناح احمدی نژاد که طیف معینی از فرماندهان سپاه و مقامات امنیتی هستند در چند سال گذشته به منابع میلیاردری کسب پول و سرمایه دسترسی پیدا کرده اند و میدانند اگر کوتاه بیایند همان سرنوشت جناح "اصلاح طلب" رژیم در انتظارشان است. این بار جدال جناحهای رژیم اسلامی میتواند جدیتر و خونین تر باشد. اختلافات تشدید شده نه قابل حل است و نه تخفیف می یابد. این نکات فوق مختصرا فضای بالائینها را نشان میدهد که دارند همدیگر را گاز میگیرند.

در چنین شرایطی بسیج دانشجویی هشت دانشگاه ایران با نگرانی کامل هشدار داده اند که: این فضای اختلاف درون مسولین نظام، غیر از این که بساط نارضایتی مردم و دلستان انقلاب را فراهم آورد، چیز دیگری ندارد. این فضا، دقیقا همان هدفی است که دشمن را شاد می کند."

این هشدار واقعی است. "دشمن شاد میشود، اسم رمز معترضین و مخالفین و اپوزیسیون و مردم منزجر از حکومت اسلامی است. مردم از این حکومت منزجرند، نه به خاطر اختلاف مسولین آنطور که بسیج دانشجویی رژیم اسلامی نوشته است، بلکه به دلیل سیاستهای اسلامی و سرکوبگرانه همین مسولین و فقر و فلاکتی که به آن جامعه تحمیل کرده اند. همین مردم منزجر از رژیم اسلامی تجربه دارند که در فرصت مناسب کل این دم و دستگاه مخوف و آدمکشی را مورد تعرض قرار دهند و اینبار باید کل این ماشین آدمکشی را خرد و بر سرشان خراب کرد.

۲۳ اکتبر ۲۰۱۲

## از صفحه ۱ سخنی با فعالین ...

در کل جامعه بوجود آورده است. میزان فقر مطلق هم اکنون بین ۲۵ تا ۳۲ درصد است و هر ماه و هر سال این رقم سیر صعودی می پیماید. آمار واقعی قطعا بیشتر از این رقم است و این یعنی رفتن بسوی يك فاجعه انسانی در كشوری که بر دنیای از ثروت، منابع و معادن طبیعی قرار گرفته است. اوضاع درناک کنونی زندگی مردم غیر قابل دوام است. در روزها و هفته های آینده می توان شاهد اعتراضات وسیع و توده ای مردم علیه این فلاکت بی حد و حصر بود. اوضاع اقتصادی در معرض فروپاشی قرار دارد. علاوه بر تحریمهای اقتصادی، دزدان میلیاردی، سران حکومت و آیت الله های چپاولگر بانیمان فلاکتی هستند که بر مردم حاکم شده است.

در این میان و از هم اکنون برای دخالت کارساز و موثر در اعتراضات توده ای در مقابل وضع موجود، فعالین در محلات نقش تعیین کننده ای در سمت و سو دادن و سازماندهی اعتراضات و نارضایتی های مردم بر عهده دارند. همانگونه که فعالین جنبش کارگری نقش تعیین کننده ای در متشکل کردن و رهبری اعتراض، تجمع و مبارزات کارگری دارند، فعالین محلات نیز همین نقش را در متحد و متشکل کردن اعتراضات و نارضایتی های توده ای مردم در محلات بر عهده دارند. دهها درد و معطل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دامنگیر مردم شده است. نباید به انتظار رخ داد عملی خشم فرو خفته مردم نشست. از هم اکنون آمادگی و تدارک و سازماندهی خشم و اعتراض مردم امر فعالین در محلات است.

فعالین سرشناس و چهره های با اتوریته و صاحب نفوذ در محلات وظیفه خطیر و بسیار مهمی در محلات بر عهده دارند. حول نپرداختن قبضه های آب، برق و گاز، امتناع از پرداخت کرایه اتوبوس، عدم پرداخت دیگر هزینه ها و خدمات دولتی که باید به رایگان در اختیار مردم باشد،

موضوعاتی هستند که فعالین در محلات می توانند و باید کل يك محله و دیگر محلات شهر را متحدانه و متشکل در عدم پرداخت هزینه های باج خواهانه و در مقابل اجحافات حکومت و نهادهای مربوط به آن سازمان دهند. بر در دیوار تمام محلات شعار عدم پرداخت این هزینه های کمر شکن و ویرانگر را می توان برای همگان قابل رویت کرد. مسئله شعار نویسی و انتخاب شعارهای رادیکال برای نوشتن بر در و دیوار و همچنین سر دادن آن در اعتراضات توده ای مردم را باید از قبل مد نظر داشت. شعار نویسی در همه جا علیه وضعیت اقتصادی و اجتماعی فلاکت بار کنونی می تواند امری تعطیل ناپذیر در هر جا و هر مکانی باشد. ارتباط مستمر فعالین با همدیگر، شور و مشورت و همچنین تماس و ارتباط مداوم با ساکنین محلات از جمله اقداماتی است که مردم در محلات آنها از فعالین انتظار دارند.

شرایط و موقعیت بسیار حساس و مهمی را پیش رو داریم. فعالین محلات در بوته آزمایش تعیین کننده ای برای متحد و متشکل کردن مردم و سازماندهی اعتراضات و نارضایتی های توده ای قرار دارند. تماس و ارتباط پیگیرانه فعالین محلات با همدیگر، در دستور گذاشتن طرح و برنامه روشن و کار شده، ارتباط و تماس روزمره با ساکنین محل و دخالت مستمر پیرامون معطلات روزمره آنان، امر دائمی فعالین در محلات است.

فراهم نمودن این امکان که در صدد تدارک مجامع عمومی در محلات شد باز هم یکی دیگر از وظایف فعالین در محلات است.

فعالین محلات بافندگان زنجیره ارتباطات ساکنین محلات در سطح هر شهری هستند. بر بستر فلاکت اقتصادی و اجتماعی تحمیل شده کنونی می توان اعتراضات عمومی و توده ای مردم را سازمان داد و به پیش برد. ۲۳ اکتبر ۲۰۱۲

## مردم ایران راه نشان میدهند!



اعلام تحصن و برگزاری میتینگ اعتراضی در مقابل بیت رهبری، نبرد تا آخر برای نجات جان عزیزان ایشان که محکوم به اعدام شده اند، تماس با رسانه های بین المللی در اعتراض به احکام اعدام ده نفر در تهران و همچنین نبرد برای پس گرفتن پیکر اعدام شدگان در زاهدان و مبارزه برای برگزاری مراسم گرامیداشت جانبازان همه و همه مبارزات قهرمانانه مردمی است که عزیزان آنها را میکشند و این جنایت را به اسم دفاع از زندگی و امنیت جا میزنند!

این روزها در ایران مردم دردمند و منزجر از حکومت اسلامی درگیر نبردی قهرمانانه علیه حکومت جنایت و اعدام اسلامی هستند. حکومت اسلامی ایران برای ترساندن مردمی که زیر خط فقر له میشوند، چوبه های دار بیشتری را در همه زندانها و در شهرهای بزرگ و کوچک تدارک می بیند و مردم با جنگ و گریز و اعتراض به جانین نشان میدهند که آماده مبارزه در همه زمینه ها با این جانین هستند.

امروز سه شنبه ۲۳ اکتبر، خانم کاترین اشتون فرمودند! از اینکه حکومت اسلامی ده نفر را در روز دوشنبه اعدام کرد، دچار وحشت شده اند! به ایشان میگویم بی تفاوتی اتحادیه اروپا در قبال جنایات چندین و چند ساله حکومت اسلامی برای مردم ایران يك امر آشکار شده است.

شما ظاهراً فقط يك مورد اعدام ده نفره از سوی حکومت اسلامی را شاهد بوده اید. عوامفریبی در نشان دادن عکس العمل به يك حکومت خونریز و جلا، حکومتی که با خون ریختن و جنایت سرپا مانده است، دهن کجی آشکار به مردمی است که در بدترین شرایط پوزه جنایتکاران اسلامی را به خاک میمالند! به این

دادگاه ۱۴ دقیقه ای بدون حضور وکیل و بدون داشتن امکان دفاع از خود به اعدام محکوم کرده اند. بدلیل اعتراضات بین المللی به این احکام اجرای حکم اعدام که در روز چهارشنبه ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام قرار بود انجام شود به تعویق افتاد.

یکشنبه ۲۱ اکتبر به خانواده این ده نفر گفتند شناسنامه عزیزان خود را بیاورند، چون حکومت خدا و جنایتکاران اسلامی میخواهند این شناسنامه ها را باطل کنند. قابل توجه خانم اشتون!

در تهران، خانواده ده محکوم به اعدام در حالیکه اشک میریختند و به هر دری میزدند که جان عزیزان خود را نجات دهند، از اتحادیه اروپا و سازمان ملل کمک دریافت نکردند. آنها دسته جمعی مقابل درب خامنه ای سر دسته جلادان تحصن کرده و به درست انگشت اتهام را بسوی این جانی و رذیل اسلامی، رهبر جنایتکاران گرفتند. بیست ساعت جنگ و گریز، بیست ساعت کابوس و درد و رنج، و در نهایت مزدوران اسلحه بدستان اسلامی، گلوله را بسوی سینه مادرانی نشانه رفتند که آخرین ملاقات را با عزیزان خود انجام داده و آخرین کلام را از فرزندان خود شنیده بودند. این يك فیلم متعلق به قرون وسطی نیست این واقعه اتفاق افتاده در ایران در روز قبل است. و بعد از این رفتار جنایتکارانه حکومت اسلامی ده نفر را کشت و به متحصنین گفت بروید پیکر عزیزان خود را تحویل بگیرید!

صدای مادر سعید صدیقی بعد از آخرین ملاقات با فرزندش يك سند تاریخی و بجا ماندنی از نبرد علیه اعدام در ایران و در عین حال از سببیت و بیرحمی حکومت اسلامی ایران است.

زاهدان، نبرد برای باز پس گرفتن پیکر اعدام شدگان حکومت اسلامی ایران رو

یکشنبه ۲۱ اکتبر سه فعال سیاسی را در زندان زاهدان اعدام کرد. این سه نفر به اتهام "ارتداد و فساد فی الارض" که اسم رمز تعلق به سازمانهای سیاسی و یا مبارزه علیه حکومت اسلامی ایران است، اعدام شدند. در اطلاعیه دادستانی به اینها اتهام بمب گذاری زدن و خانواده این سه نفر این اتهامات را کاملار رد کرده و گفتند در دادنامه و کیفرخواستی که قبلاً اعلام شده و به همین دلیل آنها را به اعدام محکوم کرده اند حرفی از بمبگذاری نبود. خانواده ریگی گفتند فرزند آنها يك فعال اینترنتی بود و اخبار نقض حقوق بشر را پخش میکرد. خانواده ها خواهان اعزام يك هیئت تحقیق بین المللی برای بررسی اتهامات به فرزندان خود هستند. بعد از اعدام بدلیل ترس رژیم از تبدیل شدن مراسم دفن و عزاداری به مراسم اعتراض علیه رژیم از تحویل دادن پیکر اعدام شدگان به خانواده ها امتناع کرده و قصد داشت بی سر و صدا آنها را در جایی دفن کند. این سیاست رژیم در مورد تعداد زیادی از فعالین سیاسی اعدام شده همچون فرزند کمانگر بود. جهت اطلاع خانم اشتون هنوز هم خانواده فرزند و چهار همروز او نمیدانند عزیزان آنها کجا دفن شده اند!!!

بعد از اعدام سه جوان در زندان زاهدان نیز بازجویان و مزدوران حکومت از تحویل دادن پیکر اعدام شدگان به خانواده ها امتناع کردند. خبر حاکی از اینست که خانواده ریگی به غسالخانه مراجعه کرده و علیرغم تهدیدات مزدوران، پیکر فرزند خود را برده و طی مراسمی او را دفن کرده اند. مزدوران و سرکوبگران حکومت اسلامی که از این حرکت خانواده ریگی خشمگین هستند، سعی در نبش قبر فرزند اعدام شده این خانواده و بردن پیکر او دارند. خانواده ریگی و مردم معترض شهر بر سر مزار ریگی نگهبانی میدهند تا مانع نبش قبر

شوند. اخبار حکایت از متشنج بودن فضای شهر دارد و مردم گفته اند اگر رژیم نبش قبر کند، پاسخ درخور را دریافت خواهد کرد. پیکر ۲ زندانی سیاسی دیگر به نام های عبدالجلیل کهرزهی ۲۴ ساله که در دی ماه ۱۳۸۹ در محل سکونتش در خاش دستگیر شده بود و یحیی چاری زهی ۲۴ ساله که در ایران شهر دستگیر شده بود به خانواده های آنها داده نشد و در نقطه ای نامعلوم به خاک سپرده شدند.

باید در سراسر جهان به یاری مردم ایران شتافت.

باید به يك جنبش گسترده تر علیه اعدامها در ایران دامن زد!

جمهوری اسلامی ایران از ترس دامن گرفتن اعتراضات مردم، به اعدامهای بیشتری رو آورده است. ما باید متحدانه و در همه جای دنیا، به پا خاسته و علیه اعدامها در ایران کاری بکنیم. همه ما میتوانیم و باید با برگزاری میتینگ در مقابل سفارتخانه های حکومت اسلامی و با ابراز همبستگی با مردم و خانواده های محکومین به اعدام کاری کنیم که حکومت اسلامی ایران جرات نکند بیش از اینها از مردم ایران قربانی بگیرد. باید اخبار اعدامها و در عین حال کیفرخواست مادران و پدران و خانواده های محکومین به اعدام را در دنیا پخش کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه سازمانهای علیه اعدام، احزاب اپوزیسیون و از همه کسانی که دلشان از این همه جنایت و رذالت اسلامی به درد آمده دعوت میکند که متحدانه به يك جنبش اعتراضی گسترده تر علیه اعدامها در ایران دامن بزنند.

سرنگونی طلبان باید بدانند مبارزه علیه اعدام يك جبهه مهم برای سرنگون کردن این دستگاه جنایت و رذالت اسلامی است!

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۳ اکتبر ۲۰۱۲

**مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.**  
**اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد**  
**(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)**  
**تحت هر شرایطی ممنوع است.**  
**همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.**





منصور حکمت

## ناسیونالیسم و مساله ملی

تضمین کند.

مساله ملی بیش از هر چیز نتیجه ملی بودن فلسفه قدرت دولتی در جامعه است. ناسیونالیسم ملت بالادست و به میدان آوردن دولت بعنوان ابزاری در تضمین برتری ملی و قانونیت بخشیدن به تبعیضات ملی یک سرچشمه اصلی پیدایش مساله ملی در چهارگوشه جهان است. ستم ملی به معنی اخض کلمه مقوله ای سیاسی است. نابرابری های موجود در امکانات اقتصادی و فرهنگی میان ملیتهای مختلف در نظامی که در آن ایدئولوژی حاکمیت بر ملیت مبتنی نیست، شانس کمتری برای تبدیل شدن به یک کشمکش سیاسی و شکل دادن به یک مساله ملی در جامعه دارد.

اما سرکوبگری ناسیونالیسم ملت بالادست تنها منشاء و بستر پیدایش مساله ملی نیست. وقایع همین چند ساله اول دهه نود بروشنی نشان میدهد که حرکتیهای ناسیونالیستی قادرند تحت شرایط خاص بزرگترین جدالهای ملی را بر کوچکترین و فرعی ترین شکافهای ملی و قومی بنا کنند. اگر فرمول عامی بتواند در مورد پیدایش مساله ملی داد اینست که وجود مساله ملی به معنی اخض کلمه محصول عملکرد ناسیونالیسم است و تقابل و رو در رویی حاد ناسیونالیسمهای مختلف مشخصه همه موارد مساله ملی است. وقتی این رو در رویی عملا شکل گرفته و جدال بر سر قدرت تحت پرچم هویتهای ملی مختلف میان بخشهای مختلف بورژوازی بالا گرفته است، دیگر منشاء اجتماعی و فرهنگی اصطکاکهای اولیه چیزی را در مورد ماهیت و مبنای امروزی مساله توضیح نمیدهد.

مساله ملی محصول ناسیونالیسم است. اما حل آن بارها به دوش سوسیالیسم کارگرمی قرار میگردد. بحث برسمیت شناسی حق جدایی یک ابزار مهم کمونیسم و طبقه کارگر در قبال بن بست و بحرانی است که ناسیونالیسم و بورژوازی ببار آورده اند. به این اعتبار وارد

ناسیونالیسم آن جریانی است که میخواهد به این شکافها و تفاوتها تبلور سیاسی ببخشد. ناسیونالیسم آن جریانی است که این تفاوتهای بالفعل و بالقوه را مستقیما به مساله قدرت سیاسی و ایدئولوژی حاکمیت ربط میدهد.

قبلا گفتیم که ناسیونالیسم محصول خودرستانه ملتها نیست. برعکس، ملتها و خودپرستی و تعصبات ملی شان محصول ناسیونالیسم اند. ناسیونالیسم، مستقل از اینکه در چه دوره ای و بر متن کدام روندهای پایه ای در قلمرو اقتصادی سیاسی پا به میدان میگردد، یک ایدئولوژی بورژوایی برای سازماندهی قدرت طبقاتی است. ایدئولوژی ای است که تلاش میکند حکومت طبقاتی بورژوا را به نحوی سازمان بدهد که محصول و تجسم سیاسی خاصیت و مشخصات ذاتی مشترکی میان اتباع آن جلوه گر شود. هویت ملی سنگ بنای استراتژی ناسیونالیسم در سازماندهی دولت طبقاتی بورژوازی است. دولت طبقه حاکمه، تجسم خارجی ذات و هویت ملی مشترک و ماوراء طبقاتی اتباعش قلمداد میشود، حال آنکه بطور واقعی این هویت ملی اتباع جامعه است که تجسم درونی و انعکاس ایدئولوژی ناسیونالیستی قدرت در اذهان آنها است. این نیازهای سازمانیابی قدرت طبقاتی بورژوازی است که برای ناسیونالیسم اختراع مقوله ملت و هویت ملی را ایجاد میکند.

مساله دولت و قدرت سیاسی و رابطه آن با ملت و هویت ملی، مساله محوری ناسیونالیسم است. سهم ناسیونالیسم در خلق مساله ملی، کشیدن اصطکاکها و تفاوتهای ملی از قلمرو اقتصادی یا فرهنگی به قلمرو سیاست و مساله قدرت است. مادام که تفاوتها، نابرابریها، کشمکشها و تنشهای ملی و قومی صریحا به مساله دولت و حاکمیت ربط پیدا نکرده اند، هنوز مساله ملی به معنی اخض کلمه بروز نکرده است. کار ناسیونالیسم اینست که این گذار به قلمرو سیاست و قدرت دولتی را

ناسیونالیسم و مسئله ملی قسمت آخر از بخش سوم (ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری) تحت عنوان: "انترناسیونالیسم و مسئله ملی" بقلم منصور حکمت است.

ایسکرا

مساله ملی، بعنوان یک تقابل اجتماعی بر مبنای هویتهای ملی که چنان اوج میگردد که جدایی سیاسی را بعنوان یک راه حل طرح میکند، از کجا پیدا میشود؟ نفس وجود هویتهای ملی مختلف پیدایش یک مساله ملی در جامعه را اجتناب ناپذیر نمیکند. مثالهای همزیستی بی مشکل و کم اصطکاک ملیتهای مختلف در چهارچوبهای کشوری واحد بسیار است. وجود ستم و تبعیض ملی هم هنوز معادل بروز مساله ملی در مقیاس اجتماعی نیست. در بسیاری کشورها تبعیضات ملی در عین اینکه یک واقعیت محسوس و رنج آور زندگی ملیتهای فرودست هستند، با اینحال در متن مناسبات قوام گرفته اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه، برای خود آحاد ملیت فرودست فرعی تر از آن جلوه گر میشوند که یک کشمکش سیاسی حاد را ایجاد کنند. مبارزه برای رفع این تبعیضات در موارد بسیار زیادی به بروز یک مساله ملی برای آن جامعه منجر نمیشود.

واقعیت اینست که برای پیدایش مساله ملی باید ناسیونالیسم بعنوان یک ایدئولوژی و حرکت اجتماعی پا به وسط صحنه گذاشته باشد. تفاوت های ملی و قومی و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بر حسب تعلقات ملی، واقعیتی هستند که در دست جنبشهای اجتماعی مختلف به سرانجامهای مختلفی میرسند. لیبرالیسم و کمونیسم و سوسیال دموکراسی و ناسیونالیسم با این واقعیات و پتانسیلها یکسان رفتار نمیکند.

دردی است که عملا عارض شده باشد، واکنشی برای پیشگیری از مساله ملی نیست. یک وجه دیگر این بحث این است که مسائل ملی موجود ممکن است در سیر تاریخی از دور خارج شوند و مسائل جدیدی به جلوی صحنه بیایند. شکاف ملی ای که امروز به یک معضل سیاسی و اجتماعی محوری بدل نشده، میتواند در ظرف چند سال به همت ناسیونالیسم چنین شود. تشخیص کنکرت مساله در هر مورد، شرط لازم اصلیت کمونیستی در قبال مساله ملی است.

فرمولبندی ما مبنی بر مرتبط کردن بحث حق جدایی به وجود مساله ملی به معنی سیاسی کلمه، کمک میکند بتوانیم بر وظایف ضد ناسیونالیستی کمونیسم قبل از بروز مساله ملی تاکید بیشتری بگذاریم. مبارزه فعال با ستم و تبعیض ملی، فراخوان به یک مبارزه سراسری برای یک جامعه برابر و بی تبعیض، افشای ناسیونالیسم و منافع و محتوای بورژوایی آن در هر دو سوی کشمکشهای ملی، تبلیغ هویت طبقاتی مشترک کارگران و هویت انسانی مشترک همه مردم و نقد نگرش تعصب آمیز ناسیونالیستی، اینها وظایف اصلی و حیاتی کمونیسم علیه تحرك ناسیونالیستی و افق ملی است. فرمولبندی برنامه ای ما با قرار دادن بحث "حق ملل" در چهارچوب معین و دامنه شمول محدود و واقعت آن، جنبش کمونیستی را آنطور که باید در تخاصم آشتی ناپذیر با ناسیونالیسم تعریف میکند و در اکثریت عظیم موارد به تعرض علیه آن فرا میخواند، بدون آنکه ما را از ابزارهای سیاسی واقعی برای دخالت واقعی در بحرانیهای ملی در جامعه محروم کند.\*

شدن بحث حق جدایی به برنامه کمونیستی به معنی برسمیت شناسی قدرت مخرب ناسیونالیسم در دنیای بورژوازی است. برسمیت شناسی حق جدایی، سلاحی در مبارزه علیه ناسیونالیسم است. و این آن جنبه ای از درک مارکسیستی در قبال مساله ملی است که بطور ویژه مدیون لنین هستیم. یک «کمونیسم پراتیک» که امحاء تبعیضات و هویت های کاذب ملی تنها شعاری بر پرچم و آرزویی در دلش نیست، بلکه وظیفه ای است که عملا در برابر خود قرار داده است. کمونیسم پراتیکی که میخواهد اصول خویش را در جهان واقعی و در برابر نیروی عظیم جریانات بورژوایی به اجرا در بیاورد. برسمیت شناسی حق جدایی ملل تحت ستم بعنوان راه حل مساله ملی، روشی برای خلع سلاح ناسیونالیسم و بورژوازی و راه باز کردن برای خلاصی توده مردم کارگر و زحمتکش از تاثیرات مخرب ناسیونالیسم بر ذهنیت و زندگی شان است.

این بحث در عین حال به این معناست که برسمیت شناسی حق جدایی زمانی موضوعیت پیدا میکند که جریانات ناسیونالیستی پیشروی قابل ملاحظه ای کرده باشند و خرافات خویش را به نیروی مادی در جامعه تبدیل کرده باشند. بخصوص اینکه کار را به قلمرو کشمکش فعال در عرصه سیاسی کشانده باشند. وجود ناسیونالیسمی که هنوز در قلمرو فرهنگ و ابراز وجود فرهنگی مانده است، ناسیونالیسمی که هنوز در میان ملت مربوطه، چه بالادست و چه فرودست، یک جریان حاشیه و یک گروه فشار کوچک است، پریدن به بحث حق جدایی را موجه نمیکند. برسمیت شناسی حق جدایی درمان





## زندگی نامه من (بخش سی و هفتم)

می کردیم. البته بیشتر من که بیکار بودم. زبان ترکی را در مدت کوتاهی، نسبتاً خوب یاد گرفتم و سعی می کردم به پناهجویان در پیدا کردن مسکن و گرفتن تأییدیه و ارائه کیس کمک کنم. بعلاوه برای کمک به زنان پناهجو که وضع رقت باری داشتند، سازمانی در جوار فدراسیون درست کرده بودم که به اسم انجمن زنان فعالیت می کرد و ما به اسم خودمان نامه حمایتی برای زنان می نوشتیم و سعی می کردیم جلوی دپورت بعضیها را بگیریم. من در عرض یکسال که در ترکیه منتظر انتقال به یک کشور ثالث بودم، توانستم جلوی دپورت چندین زن را بگیرم و بعنوان فعال زنان، بارها بخاطر این زنها با مسئولین یو ان ملاقات کردم. در این ملاقاتها معمولاً شرایط زنان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را برای آنها شرح میدادم و سعی می کردم آنها را قانع کنم که زن در جمهوری اسلامی بخاطر زن بودن همیشه مجرم است و هر زنی که از آن شرایط فرار می کند، حق دارد از حمایت بین المللی برخوردار شود.

یکی از دردناکترین پرونده هائی که من تمام تلاشم را برای کمک به آنها کردم و متأسفانه موفق نشدم، زنی بود به اسم پوران. پوران یک روز جلوی یو ان پیش من آمد و گفت به او گفته اند که من می توانم کمکش کنم. او دو سال بود که با شوهر عیلیلش و چهار بچه اش در ترکیه زندگی می کرد و تمام تلاشهایش بی نتیجه مانده بود و یو ان پرونده اش را بسته بود. حکم دپورت پوران و خانواده اش مدتها بود صادر شده بود و آنها مخفیانه زندگی می کردند. پوران در حالی که گریه می کرد، دست مرا گرفته بود و از من خواست می کرد، کمکش کنم. نمی دانستم چقدر می توان به او کمک کرد. کیسی که ارائه داده بود، خیلی الکی بود و تمام دروغهایش درآمده بود. با پوران به خانه اش رفتم. او در یکی از فقیرترین محلات شهر، در یک آپارتمان یک اتاقه نیمه تاریک و نمور زندگی می کرد. از همان دم در بوی فقر و بدبختی مشام را آزار می داد. تنها وسیله زندگی آنها، چند

پتو و یک چراغ و تعدادی قابلمه و ظرف و ظروف بودند. شوهر پوران در گوشه ای رو به پنجره نشسته بود و با چشمان نابینایش به نقطه ای نامعلوم خیره شده بود. بزور جواب سلام من را داد و حتی صورتش را هم بطرف صدای من برنگرداند. بچه ها در گوشه دیگر اتاق کز کرده بودند و با صدای نجوا مانند بین خودشان حرف می زدند. پوران که دید من با تعجب به بچه ها نگاه می کنم برایم توضیح داد. "پدرشان عصبی است و اگر صدائی از آنها در بیاید سرشان داد می زند. بیچاره ها هر وقت خانه هستند باید خفه بشند" پوران و خانواده اش تمام دارائی خود را فروخته و به اضافه مقدار زیادی قرض به ترکیه آمده بودند که بتوانند در یکی از کشورهای اروپائی بعنوان پناهنده پذیرفته شوند "می گویند آنجاها برای معلولین امکانات خوبی هست و شوهر من می تواند کمکی داشته باشد. خود من هم می توانم کار کنم و زندگی بچه هایم را سر و سامان می دهم. اگر در ایران می ماندیم هیچ راهی نداشتیم و نمی توانستیم انتظار کمک از کسی را داشته باشیم." پوران می گفت هر روز عصر با بچه هایش به یکی از هفته بازارهای شهر می رود و مواد غذایی را که مانده و فروشنده ها دور می ریختند، جمع می کند و به خانه می آورد. معمولاً ماهی و سبزیجات و میوه و غیره. بندرت پیش می آمد که چیزهایی که احتیاج به پرداخت پول داشت، را بتواند تهیه کند. گاهی دوستی یا همسایه ای مقدار ناچیزی به او کمک می کرد.

پوران و بچه هایش تنها نبودند، خیلی از پناهجویان عصرها به هفته بازارها می رفتند که کالاهای مانده را جمع کنند و برای مصرف به خانه ببرند. زندگی خیلی سخت بود و اکثراً امکان خریدن مواد غذایی لازم را نداشتند. من تمام قوای خودم را جمع کردم و برای نجات پوران و بچه هایش دست به کار شدم. برای یو ان نامه نوشتم و تقاضای ملاقات کردم. از آنها خواستم پرونده او را باز کنند و سعی کردم احساسات انسانی دست اندرکاران را با شرح وضعیت زندگی او و بچه هایش تحریک کنم و راهی برای کمک به او پیدا کنم. حتی بین دیگر پناهندگان برای آنها کمک مالی جمع کردم و

نداشتند و مدتها بود پرونده اشان بسته شده بود، اما سر و وضع خوبی داشتند و مثل افراد با کلاس رفتار می کردند. من خوشم می آمد که آنها اجازه نمی دادند شرایط سخت زندگی از پی پناهندگان شایع بود که این سه میان پناهندگان شایع بود که این سه زن برای امرار معاش تنفروشی می کنند. حتی ماموری که در یو ان در رابطه با پرونده فرزانه و دخترانش ملاقات کردم، یکی از ابروهایش را بالا برده و در حالی که سعی می کرد نیشخندی را که گوشه لبانش بود قایم کند، از من می پرسید "کمی بنظر شما عجیب نیست که کسانی که بیش از شش ماه است پرونده اشان بسته شده و بقول شما از هیچ جا پولی نمی گیرند و خانه و زندگی ندارند، مثل سوپر مدلها لباس می پوشند؟" بالاخره پرونده فرزانه و دخترانش را باز کنیم. وقتی من ترکیه را ترک کردم، آنها هنوز آنجا بودند، اما پرونده اشان در جریان بود و به یکی از شهرستانهای اطراف منتقل شده بودند و ظاهراً خانه داشتند.

ادامه دارد

صدای انسانیت  
تلویزیون کانال جدید  
صدای آرمانهای انسانی آکزیت عظیم مردم  
هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ به وقت تهران به مدت ۲ ساعت

بقیه  
kurd channel

مشخصات ماهواره:  
هائبرد ۸  
ترانسپوندر ۱۵۵  
فرکانس ۱۱۲۰۰ عمودی  
افشای سی ۵/۴  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰  
تلفن تماس ۰۰۱۲۱۰۸۵۶۹۸۹۲

لطفاً کیفیت دریافت برنامه را از طریق اینج گادریم ما اطلاع دهیم  
nctv.tamas@gmail.com



## کارگران بنیان دیزل تبریز علیه تعطیل کارخانه دست به اعتراض زدند



با تمام قوا به میدان آمد.

همین هفته گذشته، کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان توانستند با مبارزه متحد خود و تجمعات بزرگ و پی در پی پرداخت حقوقهای معوقه را به دولت تحمیل کنند. همسران بازنشستگان فعالانه به اعتراض پیوستند و صف بازنشستگان را قدرتمندتر کردند. کارگران به وعده های توخالی حکومتها اعتماد نکردند و با پیگیری مصممانه توانستند حکومت را به عقب نشینی وادارند.

فقط با اعتصاب و اعتراض همبسته و قدرتمند میتوانیم حقوق مان را از حلقوم مفتخوران سرمایه دار و حکومتشان بیرون بکشیم. بیکارانی که همین امروز با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم میکنند، کارگرانی که شب و روز وحشتناک بیکاری بالای سرشان دور میزند، کارگرانی که همین الان دستمزدشان چندین بار زیر خط فقر است و حتی خیلی جاها همین دستمزد هم به دستشان نمیرسد، این کارگران همراه با همسران و اعضای خانواده خود نیروی عظیمی هستید که باید متحدانه به میدان بیایند و به این وضعیت خاتمه دهند.

زنده باد مبارزه همبسته کارگران برای زندگی بهتر

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ اکتبر ۲۰۱۲

۲ آبان ۱۳۹۱

در ادامه موج تعطیلی کارخانه ها، کارخانه بنیان دیزل تبریز هم تعطیل شد و بیش از ۳۰۰ کارگر به خیل بیکاران پیوستند. کارگران در مقابل این وضعیت ساکت ننشستند و در مقابل کارخانه دست به تحصن زدند. نیروهای انتظامی و نمایندگان اداره کار و فرمانداری در محل حاضر شدند و از ترس سرایت اعتراض به سایر کارخانجات، نماینده کارفرما را وارد مذاکره با کارگران کردند. اما کارگران خواستار حضور مالک کارخانه و مذاکره مستقیم با وی شدند و اعلام کردند تا بازگشایی کارخانه و از سرگیری تولید به تحصن و اعتراض خود ادامه خواهند داد.

بنا به گزارشی که به کمیته آذربایجان حزب رسیده است، در تبریز کارخانه پشت کارخانه در حال تعطیل است و اخیراً کارخانجات کمپوت لویسیا و شکلات سازی هم تعطیل شده اند. فضای کارخانجات اعتراضی است. کارگران وسیعاً از اعتراض بنیان دیزل حرف میزنند و با این اعتراض اظهار همبستگی میکنند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن ابراز همبستگی با کارگران بنیان دیزل، از همه کارگران بخصوص در تبریز میخواهد که به هر طریق ممکن همبستگی خود را با کارگران بنیان دیزل اعلام کنند و به آنها یاری کنند. در مقابل اوضاع فلاکتبار کنونی و بیکاری گسترش یابنده ای که هرروز دامن تعداد بیشتری از کارگران را میگیرد باید

خط حسن آباد سنندج، به مدت ۴ ساعت (۷ الی ۱۱ صبح) در خیابان حسن آباد رویه روی بانک کشاورزی، دست به اعتصاب زدند.

آنان خواستار اضافه نمودن کرایه و همچنین اختصاص دادن محلی به عنوان ایستگاه تاکسی برای خود شدند. لازم به ذکر است طی مراجعه تعدادی از این رانندگان به اداره تاکسی رانی، وعده برآورده نمودن خواسته هایشان در دو روز آینده داده شده است.

### اخراج گسترده کارگران کارخانه خورشید زربوار

دیو سیاه بیکاری گریبان کارگران کارخانه خورشید زربوار سنندج که زیر مجموعه کارخانجات تولید نوشابه ایستک می باشد را هم گرفت و ۲۰ نفر از کارگران این کارخانه به بهانه کاهش تولید ناشی از کمبود مواد اولیه اخراج شدند و به خیل عظیم بیکاران پیوستند.

این بیکارسازی ها در شرایطی صورت می گیرد که افزایش روز افزون قیمت ها فشار مضاعفی بر کرده کارگران و زحمتکشان وارد کرده و تامین ابتدایی ترین نیاز خانواده های کارگری با مشکلات جدی مواجه شده است.

کارخانجاتی که هنگام رونق از قبل کار کارگران سوده های فراوانی را نصیب خود ساخته اند هنگام مواجهه با هر مشکلی اولین و راحت ترین راه حل را اخراج کارگران می دانند.

در شرایط کنونی که اخراج و بیکارسازی منحصر به یک یا چند کارخانه نبوده و تقریباً همه کارگران در معرض اخراج هستند، کارگران، تنها بایجاد تشکل های مستقل کارگری قادر خواهند بود از امنیت شغلی و منافع خود دفاع نمایند.

منبع اخبار سایت کمیته هماهنگی

\*\*\*



### محکومیت حکم زندان فعال کارگری پدram نصرالهی



به گزارش رسیده کارگران شرکت جهاد توسعه، پیمانکار سد بنیر در ۵ کیلومتری روستای نگل، از روز ۲۸ مهر ۱۳۹۱ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های معوقه ی خود دست از کار کشیده اند.

نگهبانان، رانندگان ماشین های سنگین و آمبولانس و کارگران دیگر بخشها در این اعتصاب شرکت دارند. آنان اعلام کرده اند که تا رسیدن به تمامی مطالباتشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. تعداد کارگران این پیمانکاری ۳۳۵ نفر است.

### ادامه اعتصاب کارگران سد آزاد (بنیر) وابسته به شرکت جهاد توسعه

بر طبق آخرین اخبار رسیده، بعد از سه روز اعتصاب کارفرمای سد آزاد (بنیر) به کارگران وعده داده است که تا ساعت ۲۴ روز سه شنبه ۲/۸/۹۱ حقوق معوقه یک ماه را پرداخت نماید به شرطی که کارگران در روز بعد اعتصاب خود را شکسته و مشغول به کار شوند. کارگران اعتصابی اعلام کرده اند چنانچه کارفرما به وعده ی خود عمل نکند اعتصاب تا دریافت حقوق های معوقه ادامه خواهد یافت.

### اعتصاب رانندگان تاکسی در سنندج



طبق گزارش رسیده صبح روز سه شنبه ۲/۸/۹۱ رانندگان تاکسی

بنا به گزارش رسیده، دادگاه تجدید نظر سنندج حکم پدram نصرالهی را که پیشتر به اتهام عضویت در کمیته و ارتباط با یکی از گروه های اپوزیسیون به سه سال حبس محکوم شده بود، به ۱۹ ماه حبس تبدیل کرد. کمیته هماهنگی همان طور که بارها اعلام کرده به هیچ عنوان خود را حتی به استناد همین قوانین جاری و قانون اساسی کشور غیر قانونی نمی داند و مادام که این کمیته در دادگاه صالحه غیر قانونی اعلام نشده باشد نمی توان افراد را به واسطه عضویت در آن تحت تعقیب قضایی قرار داد.

ما اعضای کمیته هماهنگی، رای دادگاه پدram نصرالهی را که به اتهام عضویت در کمیته و اتهام واهی ارتباط با یکی از احزاب اپوزیسیون که این روزها برای از میدان خارج کردن فعالین کارگری به آنها نسبت می دهند را به شدت محکوم می کنیم و خواهان منع تعقیب قضایی ایشان و آزادی کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم.

۱ آبان ۱۳۹۱

### اعتصاب کارگران شرکت جهاد توسعه پیمانکار سد بنیر



## اعدام سیزده نفر در ۴۸ ساعت گذشته در ایران

حکومت اسلامی ایران با اعدام زنده است. در حالیکه سران این حکومت در مقابل اعتراضات گسترده به اعدامها در ایران اعلام میکنند که اعدام بدلائل سیاسی در ایران نیست، یکشنبه ۳۰ مهر ماه سه نفر را به اتهام "محاربه" اعدام کردند. اتهامی که سیاسی است و در توضیحات "دادگستری" رژیم در سیستان و بلوچستان آمده است که این سه نفر به یک جریان مخالف حکومت اسلامی تعلق داشته و بدلیل فعالیت علیه حکومت اعدام میشوند.

یحیی چاری زهی، عبدالجلیل کهرزهی و عبدالباسط ریگی از سوی حکومت به اتهام محاربه و افساد فی الارض سحرگاه یکشنبه اعدام شدند.

خبر این اعدام بعد از اجرای حکم و بعد از اجرای جنایت حکومت اسلامی پخش شد، اما در روز

دوشنبه در زندان اوین ده نفر اعدام شدند، که خبر اجرای حکم آنها یک هفته قبل از سوی خانواده یکی از این اعدامیها یعنی خانواده سعید صدیقی علنی و رسانه ای شده و در موجی از اعتراض را در ایران و در دنیا دامن زد. رژیم اسلامی مجبور شد چند بار اجرای حکم را عقب بیاورد، اما سحرگاه دوشنبه بعد از اعلام تحصن خانواده محکومین به اعدام و بعد از تهدید به تیراندازی بسوی مادران و پدران، حکومت اسلامی این ده نفر را اعدام کرد. اسامی این ده نفر که از سوی دادسرای رژیم در تهران اعلام شد چنین است:

فرشید رستمی، فرهاد مشهدی ابوالقاسم، علی درویشی، عباس عباسی نمکی، سعید صدیقی، حمید ربیعی، محمدعلی ربیعی، علیرضا مولایی، اسحاق لورگی و یوسف پرمر.

حمید ربیعی و محمد علی ربیعی پدر و فرزند بودند.

به موج اعدامها در ایران باید بیش از اینها اعتراض کرد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه سازمانها و نهادهای علیه اعدام دعوت میکند متحدانه به این موج اعدامها اعتراض کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۲ اکتبر ۲۰۱۲



## اگر مردم قبضی ها را ندهند دولت ساقط میشود؛ صحبت یکی از اهالی اصفهان خطاب به کانال جدید

بحث های شما در مورد نپرداختن قبضی ها واقعا عالی است. ما این بحث را به همه جا میبریم. میگوییم پول ندهید به این دولت بگذارید کمرش بشکنند. همسایه ما پول برقش را نداد. قطع کردند. ولی میگفت مهم نیست. اگر همه ندهند دولت ساقط میشود و ما به هدف رسیده ایم. بنابراین من نه تنها پول برق را نخواهم پرداخت بلکه دیگران را هم تشویق به این کار خواهم کرد. ببینید این روحیه مردم است. بنابراین ادامه بدهید. به نظر من باید بگوییم که کارت اتوبوس هم نباید بزنند. اتوبوس ها همه دولتی شده است. در یک مسیر در اصفهان که من میروم ۶۵۰ تومان میدهم. اتوبوس کثیف، قراضه، بو گندو، جا هم نیست بنشینیم. من هم پول

نمیدهم. و داد و فریاد میکنم که وقتی سرویس اینطور میدهد چرا باید پول بدهیم. مردم را تشویق به زدن کارت میکنم. خیلی ها با من همراهی میکنند و کارت نمیزنند اینها هم جرات نمیکنند حرفی بزنند. نان شده ۵۰۰ تومان. شیر ۱۰۳۰ تومان. و همه چیز هر روزه شاید بگویم دوبار قیمتش بالا میرود. پس چرا باید پول آب و برق و گاز بدهیم. یا پول ایاب و ذهاب بدهیم. این تبلیغات را ادامه دهید. روی اینکه وقتی برق کسی را قطع کردند باید مردم محل اعتراض کنند بیشتر تاکید کنید. خصوصا خود کسی که برقش قطع میشود. یا گاز منزلش قطع میشود نباید فکر کند خودش تنهایی باید این معضل را تحمل کند. بلکه باید فوراً اهالی

محل را خبر کنند. خلاصه روی همه این جوانب کار کنید. بهترین تبلیغات این دوره شما باور کنید همین موضوع است. چون از یک دریچه واقعی در واقع ساقط شدن دولت را طرح کرده اید و میگویید دولت مسئول این وضعیت است و باید به مردم جواب دهد.

من تمام روز به انتظار برنامه کانال جدید هستم. البته بدانید یک قشری از این بی قانونی و دزد بازار سود میبرند و وجود اینها کنار دستگاه سرکوب دولت بیرحم وضع را برای ما مردمی که میخواهیم خودمان را نجات دهیم سخت تر کرده است. این قشر را بیشتر زیر حمله قرار دهید. ممنون از شما.

اصفهان

۳۰ مهرماه ۱۳۹۱

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

#### سوئد:

Sweden  
Post Giro: ۶۳۹۶۰۶۰۳  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۰۰۲  
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۵۰  
Post Bank

#### کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
۹۹۰۰  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W1R1  
Account #: ۸۴۳۹۲۰۰۲۶۹۱۳

#### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: ۱۵۱۳۵۰۲۴۸  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NLV۷۴ RABO ۰۱۵۱۳۵۰۲۴۸

#### آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa ۹۸۲۳۰۲۷۷  
phone # ۱-۳۶۰-۳۳۲-۵۷۱۱  
Masoud Azarnoush  
Account number: ۹۹-۴۱۵۸۱۰۸۳  
wire: ABA routing # ۰۶۶۰۰۹۵۹۳  
Nrsswift code: BOFAUS

#### شماره حساب انگلیس

#### ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱  
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB ۷۷ NWBK۶۰۲۴۲۳۵۴۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB ۲L

#### سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

#### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۸۰۵۱

#### کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

#### از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

اساسی سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!